باب و بابیگری

الخطیب، محب الدین

 (2)

علی محمد شیرازی روز 5 جمادی الاولی سال 1260 اعلان کرد که‏ (باب)مهدی منتظر است و در آن هنگام چنانکه بتفصیل در کتاب(الکواکب‏ الدریه فی تاریخ ظهور البابیة و البهائیة)چاپ قاهره سال 1343 هـ(1924م) آمده است؛بیست و پنج سال داشته است.

باب در اصطلاح شیعه کسی است که واسطه است بین شیعهء امامیه و امام‏ دوازدهم ایشان محمد بن حسن عسکری که گمان میکنند در سال 55 هـ-متولد و در شش سالگی در سرداب سامرا در سلا 260(؟)غیبت صغری نمود(اشاره‏ای‏ بغیبت کبری ننموده است)و معتقدند که او(مهدی)است و او را(منتظر)مینامند. و از یازده قرن پیش هنوز در انتظار او هستند و هرگاه نام او را میبرند برایش‏ دعا میکنند که خدا در ظهورش تعجیل نماید و این را در(رجعت)میگویند.(شیعه‏ ظهور مهدی را رجعت نمیگوید و این اشتباه است).

این موضوع مفصل است و این‏جا،جای ذکرش نیست،مراجعه شود به(المنتقی‏ من منهاج الاعتدال)ص 31 ر 97و 173.

چون از تقالید شیعیان بود که شخص ممتازی را که واسطهء است بین‏ مهدی غایب و شیعیانش(باب)نباشند،این جوان عامی که بتجارت مشغول بود یعنی علی محمد باب چنان دید که خود را(باب)،پندارد،سپس بر اثر افسونهای ملا حسین بشروئی ادعا کرد که او(مهدی)است.

مجتهدان شیعه و علما او را امتحان میکردند و باو پیشنهاد میدادند که‏ برای بعضی از سوره‏های قرآن مانند:سوره کوثر و عصر و یوسف تفسیری بنویسد، او از آراء کاظم رشتی و تلقینات ملاحسین بشروئی و آنچه بخاطرش میرسید، در عالم خیال برایشان فورا چیزی مینوشت ولی با عباراتی سخیف و غلط بدینجهت‏ بیشتر از او متنفر شده سبک و خوارش مینمودند و حکومت را سبب جهل و نادانیش‏ بر علیه او وامیداشتند.

اولین مبلغ بهائی در مصر ابو الفضائل جرفادقانی(ابو الفضل گلپایگانی) در کتاب خود(الحج البهیة)که آنرا محفل بهائی روحانی مرکزی در سال‏ 1343 هـ(1925 م)در مصر چاپ نموده است،در صفحه 127 از(باب) که آنرا«نقطهء اولی»مینامند سخن میگوید،وی چنین گفته است:«و اما نقطه اولی‏ و مثال اعلی،و مبشر بجمال(ربنا الابهی)جل ذکره،و عزاسمه،بامر باب قیام‏ کرد،در حالیکه بیست و پنجساله بود.و پیش از آن با دائی خود ببازرگانی‏ مشغول بود...و چون باجازه و اذن پروردگار ابهایش قیام نمود.و در مکه‏ مکرمه دعوتش را آشکار کرد...و به شهر بوشهر بازگشت...و بردائیش وارد شد.. و بشیر از سفر کرد و بدست دشمنانش افتاد و روزگار دعوتش که نزدیک هفت‏ سال بود همه،در زیرنظر و زندان و تبعید در خانه‏اش یا در دار الحکومه گذشت‏ تا اینکه بآذربایجان تبعید شد.

بدنبال دعوت باب با بیست در سال 1260 بافسون و نیرنگ ملاحسین‏ بشروئی که(باب الباب)او گردید،بشروئی توانست از همان کسانیکه پیش از آن‏ باحمد زین الدین احسائی و کاظم رشتی گردیده بودند 18 نفر مرید برای‏ علی محمد باب گرد آورد و بباب رسانیدند که باو ایمان آورده‏اند و از پیروان‏ اویند.علی محمد باب با کلمه(حی)بدانها اشاره مینمود زیرا حرف(ح) بحروف جمل یعنی 8 و حرف(ی)یعنی 10 است.ایشان بهمه جا پراکنده‏ شدند تا برای باب تبلیغ کنند.

ناتمام